

۱۰ فرهنگ ادبیات و هنر

ضمایر [من]

نشست خبری فیلم سینمایی «رمانتیسیم عماد و طوبا» در برج میلاد برگزار شد

حال ما بعد از تماشای فیلم خوب است

نشست خبری فیلم سینمایی «رمانتیسیم عماد و طوبا» به کارگردانی کاوه صباغ‌زاده در برج میلاد برگزار شد. حمیدرضا مدقق کارشناس- مجری نشست، در ابتدا برای علی انصاریان، بازیگر این فیلم سینمایی آرزوی سلامت کرد.

در ادامه کاوه صباغ‌زاده بیان کرد: این فیلم، فیلم سختی بود بر عکس «ایتالیا ایتالیا» که در چهار شبانه‌روز روایت می‌شد، این فیلم درباره همه زندگی بود به لحاظ اجرا و فضاسازی بسیار سخت و پیچیده بود. بعد از فیلمبرداری، پس تولید به دلیل کرونا خیلی طول کشید. مهدی صباغ‌زاده تهیه‌کننده فیلم یادآورشد: به نظر این فیلم با مخاطب خود تا اینجا ارتباط برقرار کرده، حداقل این است که گفته‌اند حال ما بعد از تماشای فیلم خوب است. این فیلم درباره تحکیم خانواده است، برای آقای انصاریان هم آرزوی سلامت می‌کنم و امیدوارم فیلم در اکران عمومی هم موفق باشد. کاوه صباغ‌زاده درباره حذف بخش نگاه نو از جشنواره فجر گفت: دوره سی و چهارم تجربه خوبی بود، تبعیض از بین رفته‌بود و همه با هم داوری و دیده می‌شدند. حذف این بخش در سال جاری هم اتفاق خوبی است، بخش نگاه نو یک بخش زائد است. این کارگردان درباره وجود صحنه‌های کمتر دیده‌شده در سینمای ایران در این فیلم بیان کرد: فضاسازی اصولا کار سختی است. میرزا محمدی هم در این زمینه توضیح داد: هر پلان سخت بود، چون تغییر لوکیشن داشتیم، ماکمی روی مرز ریسک بودیم تا جوابگوی خواسته فیلم باشیم، صحنه‌هایی داشتیم که چالش برانگیز بود. این اولین بار بود کار فانتزی انجام می‌دادم. برای چنین کاری باید تماما خلاقیّت به خرج می‌دادیم از این جهت کار بیشتری از ما برد. کاوه صباغ‌زاده گفت: فیلم من بیشتر از این‌که کم‌دی باشد فیلم شادی است و کم‌دی مرسوم‌ی نیست. فیلم بعدی **من** نه کم‌دی است و نه فانتزی بلکه یک کار درام عاشقانه است. واقعیت این است این چیزی که روی پرده می‌بینیم بهترین کاری بوده که از دست گروه برمی‌آمده‌است، فکر نمی‌کنم فیلم را تغییر بدھیم.

وی درباره بخش‌های فانتزی فیلمش گفت: نمی‌شود فیلم فانتزی ساخت اما هیچ بخش رئالی در آن گذاشت. این دو کنار هم باشند. کاوه صباغ‌زاده در بخش دیگری از صحبت‌هایش عنوان کرد: من تدوین «ایتالیا ایتالیا» را خیلی دوست دارم. فیلم‌هایی که در سینمای ما تولید می‌شود آنقدر شبیه هم هستند که سینمای ما یکنواخت شده، ذهنیت فیلمسازان و عوامل پشت صحنه و صحنه یک شکل شده. احساس می‌کنم آدم‌ها اهل ریسک نیستند. ما سر این فیلم گزینه‌های دیگری هم داشتیم اما گاهی بازیگران آنقدر نقش‌های یکسان بازی می‌کنند که وقتی نقش جدید به آنها پیشنهاد می‌دهند، نمی‌پذیرند ریسک کنند. با این‌حال بازیگران ما پذیرفتند، ویژگی نترس بودن و ریسک کردن در سینمای ما کم است. سر «ایتالیا-ایتالیا» مشکلاتی داشتم و وقتی ساخته شد فکر کردم در این فیلم کمتر مشکل خواهیم‌داشت؛ ولی دیدم هنوز شک و تردیدها وجود داد.

واقعه

کشفی مانند کشف کریستف کلمب!

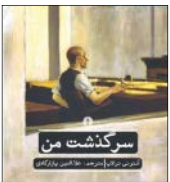
ادامه از صفحهٔ ۹

اگر خواست چیزی بنویسد. اگر نخواست ننویسد. اضافه‌کنم که در آن وقت حداکثر حقوق استادان دانشگاه کمتر از هزار تومان بود. اینها بخشی از خاطرات زنده‌یاد محمدامین ریاحی است که در ملاقاتش با سیدحسن تقی‌زاده برایش رخ داده است. جایگاه زیبای خویی در ادبیات و فرهنگ را می‌توان در یادداشت‌های دوستانش پس از مرگ او نیز بررسی کرد. این، بخش‌هایی از یادداشتی است که محمدرضا شفیعی دککنی پس از درگذشت زیبای در بهمن ماه ۷۳، در شماره اسفندماه مجله دنیای سخن نوشت:

«در عصر محققانی که اگر از تالیفات خودشان امتحانشان کنند از عهده قرائت متن تحقیقات خویش برنمی‌آیند و دولت با ساده‌لوحی، به فهرست انبوه استادان و دانشیارانش مباحثات می‌کند و چندان بی‌خبر است که این رتبه‌های

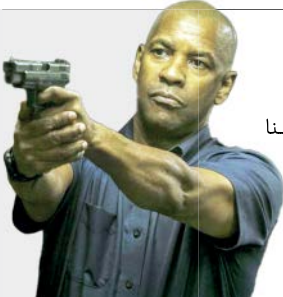
«سرگذشت من» در بازار کتاب

کتاب «سرگذشت من» نوشته آنتونی ترلاپ با ترجمه علاءالدین بازارگادی منتشر شده است. ایسنا گزارش داده که این کتاب در چاپ سوم، توسط انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده است. این اثر که نخستین بار در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسیده، سرگذشت‌نامه‌ای است به قلم نویسنده که زندگی پرفراز و نشیب و پرتکاپوی خود را به رشته تحریر درآورده است.



دنزل واشنگتن صدرنشین گیشه آمریکا

فیلم «چیزهای کوچک» علی‌رغم عرضه همزمان آنلاین با فروش ۴/۸ میلیون دلاری، در رتبه نخست جدول فروش هفتگی سینماهای آمریکا قرار گرفت. به نقل از ورایتی، این فیلم با حضور بازیگران برنده اسکار شامل «دنزل واشنگتن»، «رامی مالک» و «جرد لتو» همزمان با اکران در ۲۱۷۱ سالن سینمایی در آمریکای شمالی با فروش ۴/۸ میلیون دلاری همراه شد. در سامانه نمایش آنلاین (HBO Max) نیز عرضه شده است.



گفت‌وگو با بابک کریمی، بازیگر نقش دکتر در فیلم «بی‌همه چیز»

بی‌همه‌چیزی خشونت می‌آورد

🗨تقریباً یک دهه بعد از جنگ جهانی، وقتی که فرصتی فراهم شده بود تا متفکران، اندیشمندان، جامعه‌شناسان و هنرمندان به پشت سر نگاه کنند و ببینند که از پیش‌چه کارها که ساخته نیست، فردریش دورنمات، نویسنده مطرح آلمانی، نمایشنامه‌ای نوشت به نام «ملاقات بانوی سالخورده»؛ «نمایشنامه‌ای که هزاران بار در سالن‌های تئاتر سراسر جهان و پارها در ایران به صحنه رفته و داستان زن سالخورده اما ثروتمندی را شرح می‌دهد که به روستای فلاکت‌زده‌اش برمی‌گردد و از مردم می‌خواهد در ازای مبلغی هنگفت یکی از اهالی روستا را به قتل برسانند. در فیلم «بی‌همه چیز» آدم‌های نمایشنامه فردریش دورنمات، در ایران دهه ۳۰ بازنمایی شده‌اند؛ هدیه تهرانی نقش بانو را بازی می‌کند، پرویز پرستویی امیرخان است که باید به قتل رسانده شود و یکی از شخصیت‌های فیلم دکتر روستاست که بابک کریمی آن را بازی کرده. کریمی از معدود بازیگران ایرانی است که تجربه‌های جهانی دارد و در سینمای ایتالیا به تازگی فیلم «زندگی پیش‌رو» را بازی او در کنار سوفیا لورن اکران شده است. بابک کریمی این روزها در سریالی به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی بازی می‌کند و در جشنواره فیلم فجر نیز با فیلم «بی‌همه چیز» ساخته محسن قرائی و یک فیلم مستند به نام آیینه‌دار که پویان کاظمی، کارگردانی کرده شرکت دارد. درباره فیلم تازه قرائی و مضمون آن که تقریباً یک قرن پیش نوشته شده با بابک کریمی گفت‌وگویی داشته‌ایم و در این گفت‌وگو فرصت کوتاهی فراهم شد برای طرح سوالاتی درباره یک دغدغه مشترک بین فیلمسازان در ایران و سایر نقاط جهان که کریمی معتقد است ه «بی‌همه چیز» درباره این دغدغه حرف می‌زند، و به آن می‌پردازد.



آذر مهاجر ادبیات و هنر

🗨**کمی قبل از جشنواره فیلم «زندگی پیش‌رو» را از شما دیدیم که براساس داستانی از رومن گاری ساخته شده بود و حالا «بی‌همه چیز» با بازی شما در جشنواره به نمایش درآمده که از نمایشنامه «بانوی سالخورده» فردریش دورنمات اقتباس شده است. با توجه به علاقه شما به ادبیات، بازی در این فیلم‌ها به اقتباسی بودن فیلمنامه مرتبط است یا تصادفی بود؟**

رابط مستقیمی به این موضوع ندارد. مرا برای این نقش‌ها انتخاب کرده‌اند. این‌که دو فیلم پشت سر هم اقتباس از آب درآمده، اتفاقی بوده است.

🗨**بنابراین شخصیت «دکتر» و ویژگی‌های این نقش باعث شد که آقای قرائی شما را برای این‌ای انتخاب کند.**

من و محسن قرائی چند سالی است که

همدیگر را می‌شناسیم و علاقه به همکاری در هر دوی ما بود. وقتی فیلمنامه را خواندم، به نظر نقش درستی بود که در زمان مناسبی به من پیشنهاد می‌شد، بنابراین آن را بازی کردم.

🗨**درباره رسیدن به نقش توضیح بدهید. از گریم بگویید که با آن سیبل‌های باریک کمی شبیه مردان ایتالیایی شده‌اید، همین‌طور از جنبه‌های منفی این شخصیت و این‌که در مجموع چه برداشتی از او داشتید.**

در آن سال‌ها بیشتر دکترها، فرنگی‌مآب بودند؛ چون معمولاً برای تحصیل به خارج از کشور می‌رفتند یا از طریق فیلم و کتاب و مجلات با فرنگ آشنا می‌شدند و سلیقه فرنگی داشتند. آن سال‌ها سیبل‌های باریک و پوششی شبیه به دکتر، در جامعه ایران مد بود. عکس‌های پدرم در آن

چنین شخصیت‌هایی مطرح می‌کنیم، برآمده از فرهنگ ماست یا نمونه‌اش را در سایر کشورهای دیگر هم دیده‌اید؟

این مساله انسان است و یک مساله همیشگی نه حتی امروز و دیروز؛ اگر چشم‌پسته از میان تمام فیلم‌های نئورئالیسم ایتالیا یک اثر را انتخاب کنید، حتماً موضوع فیلم نقد به جامعه است.

در تمام این فیلم‌ها دیده‌ایم که جامعه یا به دنبال مقصر است یا به دنبال ناجی یا از آدم‌ها دشمن می‌سازند یا منجی. این در حالی است که مسائل بشری زمانی حل می‌شود که افراد جامعه، تک به تک برای تغییر و اصلاح امور قدمی بردارند. هر کسی باید به خودش نگاه کند و بپرسد من چه کرده‌ام؟ چه نکرده‌ام؟ چه باید بکنم؟ قرار نیست ما مسؤولیت اجتماعی خودمان را به دیگری فراقکنی کنیم؛ حالا یا با مقصر جلوه دادن دیگری یا حتی با قهرمان ساختن از دیگری.

سینما، نئورئالیسم ایتالیا تضادهای تفکری، اجتماعی و فرهنگی جامعه را زیر ذره‌بین برده است که مردم خودشان را ببینند، از خودشان سؤال کنند که چه کنند تا شرایط بهتر شود. مسؤولیت اجتماعی و شهروندی خودمان را نمی‌توانیم نادیده بگیریم.

شاید درباره سیاست تنوع رای و نظر وجود داشته باشد اما درباره مسائل قطعی و همگانی، نمی‌شود سهل‌انگاری کرد. سلامتی آدم‌ها که قابل بحث نیست. وقتی می‌گویند ویروسی در حال گسترش است، بمانید در خانه اما همه می‌روند شمال دیگر نمی‌شود به حکومت خرده گرفت؛ اینجا مساله مهم احساس مسؤولیت اجتماعی است که باید در تک‌تک ما وجود داشته باشد که ندارد و کار می‌کشد به وضعیت اضطراری و تاسف‌نازتر این است که همین وضعیت در قرنطینه دوم هم تکرار می‌شود! وقتی به‌عنوان شهروند به سلامتی، مرگ و زندگی خودمان اهمیت نمی‌دهیم در سایر موارد هم

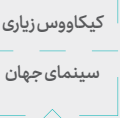
سفر فضایی بازیگر به آینده‌ای دور

جورج کلونی در تدارک یک کار تلویزیونی تازه

🗨 جورج کلونی و شرکت

مستقل فیلمسازی‌اش اسموک هاوس، تهیه‌کننده پروژه‌ای هستند که به احتمال بسیار زیاد با بازی کلونی در نقش اصلی با وارد مرحله تولید خواهد شد.

با این اثر، کلونی هم تعدادی دیگر از هنرمندان هالیوودی راهی آینده (و البته قاب کوچک) می‌شود.



کیکاووس زبیری

سینمای جهان

سینمای جهان

مسؤولیت‌پذیر نیستیم!

کار هنر اجتماعی و فیلمساز اجتماعی این است که به مسؤولیت‌های اجتماعی بپردازد. ما فیلم‌های زیادی داریم که به‌ظاهر اجتماعی هستند اما هیچ سوالی مطرح نمی‌کند. تماشاگر فیلم را می‌بیند و بعد بدون هیچ سوال و دغدغه‌ای از سینما بیرون می‌آید!

🗨 **شما عقیده دارید که فیلم «بی‌همه چیز» این کار را می‌کند؟**

بله، دیشب بعد از اکران فیلم کسی از من پرسید اگر شما در آن میدان کنار مردم روستا بودید چه می‌کردید و من جواب دادم که نمی‌دانم.

🗨 **نمی‌دانید؟!**

به یک دلیل. چون شکم من خالی نیست و حرف‌زدن و ادعا کردن با شکم پر آسان است. باید فقیر باشی، بی‌همه چیز باشی که بدانی در چنین لحظه‌ای چه تصمیمی می‌گیری. من در موقعیت این مردم نبوده‌ام و نمی‌دانم چه می‌کردم.

🗨 **پس همه اینها که درباره مسؤولیت اجتماعی گفته‌اید، هیچ کارکردی ندارد که شما الان یک جواب روشن به این سوال بدهید.**

ماجرای این قرار است که در روان‌شناسی جمعی انسان، مکانیسمی هست که بر اساس آن وقتی با افراد به صورت مستقل و تنها صحبت کنید، درست و آگاه و خردمند و انسانی ظاهر می‌شوند اما وقتی این افراد به شکل یک جمع ظاهر می‌شوند، آرام‌آرام بخش‌های غیرانسانی وجودشان بیرون می‌زند.

یک جمع بزرگ که گرسنه و بی‌همه چیز باشد، کم‌کم رفتار حیوانی بروز می‌دهد و درندگی و خشونت آدم‌ها بیرون می‌زند و شاید کسی دیگر جلودارشان نیابد. این موقعیتی است که باید مراقب گرفتارشدن در آن بود. فیلم «بی‌همه چیز» رفتار جمعی انسان‌های گرسنه در چنین شرایطی را طرح می‌کند.

در فیلم می‌بینیم که آدم‌ها از جمله دکتر، تک‌به‌تک و به صورت مستقل حرف‌هایی می‌زنند ولی در جمع، خلاف آن را عمل می‌کنند.

درست مثل کنش آدم‌ها در استادیوم؛ من در اروپا هم به استادیوم رفته و دیدم‌که طرفداران تیم‌ها به صورت تکی و مستقل، آدم‌های آگاه و روشن، تصمیم‌گرفته و فرهیخته‌ای هستند اما در رفتار جمعی آنها برای طرفداری از تیم‌شان، خشونت و ابتذال بروز می‌کند.

🗨 **بنابراین «بی‌همه چیز» با ژاقرینی یک مقوله جهانی است که دست‌کم از سال ۱۹۵۶ که «ملاقات با بانوی سالخورده»**

نوشته شده تا امروز برقرار بوده!

بوده و احتمالاً برقرار باشد چون تا زمانی که بی‌عدالتی هست، عده‌ای ثروت‌های هنگفت دارند و عده‌ای دیگر رعیت و برده محسوب می‌شوند، این موقعیت با ژاقرینی می‌شود.

همین تازگی‌ها شاهد حمله به کنگره آمریکا بوده و رفتارهای وحشیانه جمعی را شاهد بودیم که ظاهر و لباس‌های خاصی داشتند. بدون تردید این افراد به یک تشکل و به یک اجتماع خاصی تعلق داشتند که از آن تأثیر می‌گرفتند و توسط آن تهییج می‌شدند. 🗨

بازیگر مطرح سینما که دستی هم در کارگردانی دارد،

به دنبال اقتباسی سینمایی از قهرمان پاپ کلاسیک دهه ۸۰ میلادی باک راجرز است. او مجموعه‌اش را با «راجرز» شناخته و معرفی می‌شود. شخصیت راجرز اولین بار در سال ۱۹۲۸ و در دل داستانی مصور به ن «آرماگدن ۱۴۱۹» روی پیشخوان روزنامه‌فروشی ظاهر شد. مجله کودکانه امیزینگ استوریز ای داستان را چاپ کرد. فیلیپ فرانسیس نولان نویسنده و خالق این شخصیت، داستان مردی به تصویر می‌کشد که در یک معدن زغال‌سنگ گ یافت و ناگهان سر از یک دنیای کارتونی و رپ و وینکل گونه درمی‌آورد. مرد بعد از بیدار شدن متوجه می‌شود حدود ۵۰۰ سال به جلو حرکت کرده و